

تحصیلات عالی و نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار

پوهنځیار عنايت الله اکبري^۱، پوهنځیار نجيب الله مجددي^۲

^{۱،۲} د پارتمنت علوم سياسي و روابط بين الملل، پوهنځی حقوق و علوم سياسي، پوهنتون البيروني، کاپيسا، افغانستان

ایمیل: Enayatullah.akbari2@gmail.com

چکیده

تحصیلات عالی از ابزار مهم برای رسیدن به اهداف انکشاف پایدار است. رشد فکری، تربیه معنوی و توسعه مادی کشورها در گرو کارکرد تحصیلات عالی مبتنی بر ارزش های علمی جهان مدرن است. هدف دستور کار اهداف انکشاف پایدار مقابله با مبرم ترین چالش های جهان تا سال ۲۰۳۰ است که حل این چالش ها بدون بلند رفتن کیفی تحصیلات عالی ناممکن می باشد. از این رو؛ دانش و تخصصی را که مؤسسات تحصیلات عالی می توانند، ارائه دهند، ابزار استراتژیک برای رسیدن به آن اهداف پنداشته می شود. هدف این مطالعه بررسی نقش تحصیلات عالی در دستیابی به اهداف انکشاف پایدار است. این تحقیق با روش کیفی مبتنی بر داده های کتابخانه ای دریافته است که تحصیلات عالی می تواند از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی نقش مهمی را در تحقق اهداف انکشاف پایدار بازی نماید. نتایج حاصله تحقیق نشان می دهد که با وجود تلاش های انجام شده، هنوز هم نهادهای تحصیلات عالی در مسیر دستیابی به نتایج پایداری با چالش های مواجهه اند.

اصطلاحات کلیدی: انکشاف پایدار؛ اهداف انکشاف پایدار؛ تحصیلات عالی؛ موانع؛ نقش

Higher Education and its Role in Achieving Sustainable Development Goals

Teaching Asstt. Enayatullah Akbari¹ & Teaching Asstt. Najibullah Mujadidi²

^{1,2}Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University, Kapisa, Afghanistan

Email: Enayatullah.akbari2@gmail.com

Abstract

Higher education serves as a crucial catalyst for realizing sustainable development goals, encompassing intellectual growth, spiritual enlightenment, and material progress. As we navigate the sustainable development goals agenda intending to address the world's most urgent challenges by 2030, it becomes evident that improving the quality of higher education is imperative for success. The knowledge and expertise imparted by higher education institutions emerge as strategic assets in our collective endeavor to attain these goals. This study aims to investigate the role of higher education in realizing sustainable development goals. This study, employing qualitative methods grounded in library data, explores how higher education institutions can significantly contribute to sustainable development through education, research, operational practices, and active societal engagement. However, despite commendable efforts, higher education institutions continue to grapple with challenges in the quest for sustainable outcomes.

Keywords: Afghanistan; Higher Education; Obstacles; Role; Sustainable Development; Sustainable Development Goals

مقدمه

جهان در قرن بیست و یک با مسائل مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است که به معضلات جهانی تبدیل شده‌اند. بدین ملحوظ، انکشاف پایدار از نظر بسیاری تنها راه جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی و اجتماعی و اقتصادی است (Brudtland, 2019)، چون‌که به هدف حل نابرابری زندگی مدرن طراحی شده است. در واقع هدف دستور کار اهداف انکشاف پایدار مقابله با مبرم‌ترین چالش‌های جهان مانند فقر، رفاه اقتصادی، نابرابری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی صلح و حکم‌رانی خوب است که باید تا سال ۲۰۳۰ محقق شود. از این‌رو؛ دانش و تخصصی را که نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌دهند، می‌تواند ابزارهای ضروری برای پیش‌برد این دستور کار باشد. بنابراین تحصیلات عالی قدرت‌مندترین و استراتژیک‌ترین ابزار نه‌تنها برای ایجاد دانش جدید، بلکه بخش بسیار مهمی برای رشد و توسعه نیروی انسانی است که می‌تواند مسئولیت رشد اقتصادی، اجتماعی، علمی و توسعه پایدار کشور را بر عهده بگیرد. دستیابی به اهداف انکشاف پایدار درحال حاضر مستلزم اقدام جمعی و تسریع پیشرفت است (Guterres, 2019) که به اقدامات انجام شده توسط همه ذی‌نفعان از جمله دولت‌ها، مشاغل، جامعه مدنی و حتی افراد بستگی دارد؛ ولی در این میان نقش نهادهای تحصیلات عالی به‌عنوان تولیدکنندگان دانش که بر طرز تفکر مردم و میزان توان‌مندی شان تأثیرگذار است، مهم به‌نظر می‌رسد، چون‌که آن‌ها عوامل کلیدی در آموزش رهبران آینده هستند که به اجرای موفق اهداف توسعه پایدار کمک خواهند نمود. این نوشتار با استفاده از روش کیفی مبتنی بر کتاب‌خانه‌ای و چارچوب ادغام آموزش برای توسعه پایدار به بررسی مفهوم انکشاف پایدار، دستور کار اهداف انکشاف پایدار، نقش و موانع تحصیلات عالی در تحقق آن‌ها پرداخته است.

بیان مسأله

انکشاف پایدار به دلیل تغییرات اساسی در وضعیت جهانی هم‌چون گرمایش جهانی و نگرانی‌های تغییرات اقلیمی بیش از سی سال می‌شود که در دستور کار سیاسی قرار گرفته است. در عین حال، از اجرای شدن دستور کار جدید انکشاف پایدار هفت سال می‌گذرد؛ اما چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای درحال توسعه همانند افغانستان کماکان به حالت خود باقی مانده است. پایداری هرچند مفهومی است غالب، اما دستیابی به آن کار ساده‌ای نیست، چون‌که اجرای عملی آن به دلیل نیاز به کسب دانش جدید و تغییر نگرش و رفتار دشوار به‌نظر می‌رسد. ازین‌رو، رفع این دشواری مستلزم آموزش با کیفیت است که خود هدف شماره چهارم دستور کار اهداف انکشاف پایدار را تشکیل می‌دهد. دستیابی به اهداف انکشاف پایدار به اقدامات انجام شده توسط همه‌ی

ذی‌نفعان و سهام‌داران - دولت‌ها، مشاغل، جامعه‌ی مدنی گرفته تا افراد - بستگی دارد. اما مؤسسات تحصیلات عالی به‌عنوان تولیدکنندگان دانش می‌توانند نقش سازنده‌ای را در تحقق آن داشته باشند. این‌که چگونه؟ این مطالعه در صدد یافتن پاسخ آن است تا با برجسته شدن آن، نهادهای تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان فعالیت‌های اکادمیک، استراتژی‌ها و فرهنگ سازمانی خویش را منطبق به آن آماده نموده و به شناسایی موانع و چالش‌های فرا راه تحقق آن اهداف بپردازند. مقالات زیادی در مورد انکشاف پایدار نوشته شده؛ اما کم‌تر نوشته‌ای را می‌توان یافت که به نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته باشد. از این رو، برای رفع خلای تحقیقاتی ضرورت به تحقیقات بیش‌تر در این خصوص در آینده می‌باشد.

سوالات تحقیق

این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. چگونه دستور کار جدید اهداف انکشاف پایدار در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت؟
۲. چگونه تحصیلات عالی می‌تواند در تحقق اهداف انکشاف پایدار مشارکت داشته باشد؟
۳. موانع و چالش‌های نهادهای تحصیلات عالی در افغانستان برای اجرای اهداف انکشاف پایدار کدام‌ها اند؟

مروری بر ادبیات تحقیق

با مرور بر ادبیات موضوع، به نظر می‌رسد که در رابطه به تحصیلات عالی و نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار تا هنوز در افغانستان کدام تحقیق خاص صورت نگرفته، هر چند در خصوص اهداف انکشاف پایدار سند تقنینی و مقالاتی تحریر یافته است.

از جمله اهداف انکشاف پایدار افغانستان - ۲۰۱۵-۲۰۳۰: (اهداف، تارگی‌ها و شاخص‌های ملی) عنوان سند معتبری است که در سال ۱۳۹۸ توسط وزارت محترم اقتصاد ترتیب گردیده است. تمام اهداف، تارگی‌ها (اهداف کوچک) و شاخص‌های اهداف انکشاف پایدار افغانستان در قالب هشت سکتور امنیت، حکومت‌داری، زیربنا و منابع طبیعی، زراعت و انکشاف دهات، معارف، صحت، مصئونیت اجتماعی و اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی تهیه گردیده است. بر مبنای این سند سکتور معارف (وزارت معارف، تحصیلات عالی و اداره مستقل تعلیمات تخنیکی و مسلکی) مأموریت گرفتند تا به هدف تطبیق هدف شماره چهارم اهداف انکشاف پایدار (آموزش با کیفیت) ۷ تارگی (هدف کوچک) را عملی سازند. از جمله حصول اطمینان از این‌که الی سال ۲۰۳۰ تمامی دانش‌آموزان به تعلیم و

مهارت‌های مورد نیاز برای ترویج انکشاف پایدار، از جمله ترویج آن به دیگران، از طریق آموزش برای انکشاف پایدار و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی و ارج نهادن به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی برای انکشاف پایدار، دست یابند. ولی مکانیزم عملی آن تا هنوز در دست نیست، اگر وجود هم دارد استادان و محصلین از آن آگاه نیستند.

Jaiswal & Gupta (2022) در مقاله خویش تحت عنوان "نقش تحصیلات عالی برای توسعه پایدار" ضمن بررسی مفهوم و ابعاد انکشاف پایدار، نقش تحصیلات عالی در تحقق این اهداف را در سه محور خلاصه نموده اند: ۱. نهادهای تحصیلات عالی به‌ویژه پوهنتون‌ها مسئول تحقیق در مورد اهداف انکشاف پایدار اند. بنابراین بهبود علمی و فن‌آوری برای تولید پایداری باید توسط محققان در پوهنتون‌ها انجام شود؛ ۲. تحصیلات عالی شامل مؤسساتی است که معلمان را برای آموزش‌های مختلف تربیت و پرورش می‌دهند. از این رو، آموزش با کیفیت کاملاً به استادان واجد شرایط بستگی دارد و آموزش برای توسعه پایدار تنها از طریق معلمانی که آموزش دیده‌اند و از ارزش‌ها و دیدگاه‌های پایداری آگاه شده‌اند؛ قابل انجام است؛ ۳. تحصیلات عالی هم‌چنین رهبران و نخبگان کشور را تولید می‌کنند که احزاب سیاسی، بوروکراسی‌های دولتی، مؤسسات اقتصادی و صنایع خصوصی - همه ذی‌نفعان توسعه پایدار - را هدایت و مدیریت می‌کنند. به این خاطر، اگر تحصیلات عالی نتواند محصلان را برای پایداری آموزش دهد، رهبران آینده بخش‌ها نمی‌توانند عوامل واجد شرایط توسعه پایدار باشند.

با مرور بر ادبیات موضوع می‌توان دریافت که هیچ نوشته‌ای تا هنوز تصویر کامل از نقش تحصیلات عالی در دستیابی به اهداف انکشاف پایدار ارائه نمی‌دهند که ایجاب می‌کند مبتنی به نظام تحصیلات عالی افغانستان تحقیقی صورت گیرد که مستقیماً به نقش تحصیلات عالی در افغانستان برای تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که بر اساس رهیافت ادغام آموزش برای توسعه پایدار تبیین شده است. برای ارائه پاسخ به سؤالات تحقیق اطلاعات ثانویه با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، مجلات و تحقیقات قبلی جمع‌آوری گردیده است. قبل از استفاده آن‌ها، معیارهایی چون مناسب بودن، قابل اعتبار بودن و کفایت داده‌ها نیز رعایت گردیده است.

یافته‌های تحقیق

مفهوم‌شناسی انکشاف یا توسعه پایدار

از توسعه پایدار تعبيرهای مختلفی صورت گرفته است. به گفته Di Giulio (2006) بیش از ۳۰۰ تعریف از توسعه پایدار وجود دارد. با این حال، این مفهوم رویکردی نسبت به توسعه است که به دنبال ایجاد توازن بین نیازهای مختلف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی ما به عنوان یک جامعه است.

برخی برای توسعه پایدار سه رکن اساسی متصور شده‌اند: پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی (Levesque, 2019). از این رو، کارآمدی هر سیستمی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری است. به زعم گارسیا اگر توسعه پایدار را به سقف یک ساختمان تشبیه کنیم، ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی ستون‌های آن را تشکیل می‌دهند بر فرهنگ جامعه که زیربنای ساختمان است، استوار شده‌اند (Arasteh & Ameri, 2014:71). پایداری الگویی برای اندیشیدن به آینده است که در آن ملاحظات زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به یک زندگی با کیفیت در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، یک جامعه مرفه به محیط زیست سالم برای تأمین غذا و منابع، آب آشامیدنی سالم و هوای پاک برای شهروندان خود احتیاج دارد (Hola, 2009).

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه معروف به کمیسیون بروندلند در توصیف از توسعه پایدار می‌افزاید: توسعه پایدار یعنی "توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را بدون خدشه وارد کردن به توانایی‌های نسل‌های آتی در تأمین نیازهای شان، تأمین نماید" (WECD, 1987). بنابراین گفته می‌توانیم که توسعه پایدار به دنبال توسعه‌ای است که در آن برای نسل‌های فعلی و آینده از قلمروهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی صیانت و از تخریب آن‌ها جلوگیری شود.

مفهوم توسعه پایدار برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس سازمان ملل در مورد "محیط زیست انسانی" که در استکهلم برگزار شد، به رسمیت شناخته شد هرچند که این اصطلاح به صراحت به کار گرفته نشده بود. این اولین کنفرانس کشورهای عضو سازمان ملل بود که تشخیص داد اقتصاد از یک سو و محیط زیست از سوی دیگر در مسیر برخورد قرار دارند؛ چون وزن فزاینده فعالیت‌های انسانی بر طبیعت منجر به خطرات زیست محیطی در مقیاس بی سابقه‌ای می‌گردد. بعدها به دلیل توجه به رشد اقتصادی ناپایدار، سازمان ملل در سال ۱۹۸۳ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به کمیسیون بروندلند را به رهبری دکتر گرو هالم براندلند تأسیس کرد (Ghorbani, 2020). در گزارش این کمیسیون که در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان "آینده مشترک ما" منتشر شد، اولین تعریف معتبر در مورد توسعه پایدار را ارائه داد. توسعه

پایدار بر اساس این گزارش به‌عنوان "توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای شان" توصیف شده است (WECD, 1987). متعاقباً سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ کنفرانسی را در مورد محیط‌زیست و توسعه در ریودوژانیرو برگزار نمود. این اجلاس اولین تلاش بین‌المللی را برای ترسیم برنامه‌های اقدام و راهبردهایی برای حرکت به سمت الگوی توسعه پایدارتر نشان داد. بیش از ۱۰۰ رئیس دولت و نمایندگان ۱۷۸ دولت ملی در آن شرکت کردند. در این اجلاس هم‌چنین نمایندگانی از طیف وسیعی از سازمان‌های دیگر به نمایندگی از جامعه مدنی حضور داشتند. تنها در این اجلاس بود که رهبران بزرگ جهان، توسعه پایدار را به‌عنوان چالش اصلی امروز تشخیص دادند.

با پایان یافتن دوره زمانی اهداف توسعه هزاره که در بزرگ‌ترین گردهمایی سران دولت‌ها در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نیویارک به تصویب رسیده بود، فرایند تدوین اهداف انکشاف پایدار و اجندای پسا ۲۰۱۵، در اجلاس ریو به علاوه ۲۰ (Rio20+) ریودوژانیرو کشور برازیل در سال ۲۰۱۲ که روی وضعیت زمین تمرکز داشت، مورد بحث و مشوره قرار گرفت. پس از تعاملات و رای‌زنی‌های دوام‌دار با گروه‌های مختلف و متخصصین علوم معاصر، بالاخره، اجندای انکشافی ۲۰۳۰ با عنوان "تغییر جهان ما" در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ و در نشست سران کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل مورد تصویب ۱۹۳ کشور جهان قرار گرفت (اهداف انکشاف پایدار افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۹). دستور کار جدید که به‌منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری طرح گردیده دارای ۱۷ هدف؛ ۱۶۹ تارگیت (هدف کوچک) و ۲۳۲ شاخص انکشافی می‌باشد. میلیون‌ها نفر از نقاط مختلف جهان نظرات خود را در فرایند مشاوره برای کمک به شکل دادن آن بیان کردند. در فهرست اولیه حدود ۳۰۰ هدف پیشنهادی طی سه سال مورد مذاکره و اولویت‌بندی قرار گرفت تا آن‌که تا اواسط سال ۲۰۱۵ به ۱۷ هدف رسید (Ghorbani, 2020).

براساس تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اهداف انکشاف پایدار، از اول جنوری ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا قرار گرفت و از همه کشورهای جهان تقاضا به‌عمل آمد تا فعالیت‌های استراتژیک شان را به‌منظور تطبیق شاخص‌ها و حصول اهداف، برای ۱۵ سال آینده، به‌شکل سیستماتیک و معیاری تدوین و از روند تطبیق به‌گونه مستمر نظارت و گزارشات در خصوص میزان پیشرفت آن‌را به‌گونه سالانه و بعد از تأییدی کابینه کشور شان از طریق مراجع دیپلماتیک به سازمان ملل ارسال دارند (اهداف انکشاف پایدار افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۹).

اهداف انکشاف پایدار



شکل ۴: اهداف انکشاف پایدار (وزارت اقتصاد)

تحصیلات عالی و توسعه پایدار

نهادهای تحصیلات عالی به عنوان شاخص ترین نهاد علمی که به امر پردازش انسان ها اهتمام می ورزد؛ موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکان دار حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱)، چون که آن ها مأموریت دارند تا توسعه را از طریق تحقیق و تدریس و هم چنین از طریق انتشار دانش جدید برای محصلین خود جهت ارتقای قابلیت های آن ها انتقال دهند (Lazano, 2009). به باور Cortese (۲۰۰۳) هدف نهایی تحصیلات عالی برای توسعه پایدار انتقال دانش، ارزش ها، نگرش ها و مهارت های مورد نیاز برای توانمندسازی افراد جهت ایجاد تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری است. به این ترتیب، نهادهای تحصیلات عالی از طریق فعالیت های آموزشی و یادگیری گسترده خود (تدریس در مقطع لیسانس و فوق لیسانس، آموزش حرفه ای، آموزش اجرایی و بزرگ سالان، یادگیری آنلاین، فعالیت های برنامه درسی مشترک با سایر نهادها و مجامع محصلی) نقش مهمی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارند (یونسکو، ۲۰۱۷).

به صورت کل، نهادهای تحصیلات عالی در اجرای هریک از اهداف پایدار نقش کلیدی داشته که اینک به طور خلاصه ذکر می گردد:

۱. پایان دادن به فقر: دسترسی به تحصیلات عالی باعث کاهش فقر می شود؛ زیرا یک جمعیت تحصیل کرده می تواند تصمیمات آگاهانه ای را در خصوص حقوق برابر، منابع طبیعی و اعطای خدمات اساسی برای همه از جمله مالکیت، کنترل بر زمین، دارایی، ارث و سایر خدمات مالی و فن آوری اتخاذ کند. از این رو تحصیلات عالی می تواند دری را به روی مشاغل، منابع و مهارت های باز کند که به فرد کمک نماید که نه تنها زنده بماند، بلکه پیشرفت کند. براساس گزارش یونسکو، اگر همه دانش آموزان در کشورهای کم درآمد فقط مهارت های اولیه خواندن را داشته باشند (هیچ چیز دیگری)، حدود ۱۷۱ میلیون نفر می توانند از فقر شدید فرار کنند. اگر همه بزرگسالان تحصیلات متوسطه را تکمیل کنند، می توانیم نرخ فقر جهانی را بیش از نصف کاهش دهیم.
۲. پایان دادن به گرسنگی: تحصیلات عالی کلید کسب دانش لازم برای کاهش سوء تغذیه و گرسنگی و نیز افزایش تولیدات کشاورزی است. به نقل از گزارش بانک جهانی با بهبود سطح تحصیلات برای جوانان روستایی، آن ها می توانند به طیف وسیع تری از مشاغل غیر کشاورزی وارد شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۷). نهادهای تحصیلات عالی به افراد تحصیل کرده کمک می کنند تا در مورد بیماری ها اطلاعات بیش تری کسب نمایند، اقدامات پیش گیرانه را انجام دهند، نشانه های بیماری را زود تشخیص دهند و همین طور از خدمات مراقبت های بهداشتی استفاده کنند.
۳. زندگی سالم و ارتقاء رفاه: تحصیلات عالی نقش کلیدی را در خصوص سوء مصرف مواد مخدر، الکل، بهداشت روانی، بهداشت باروری و تنظیم خانواده بازی می نماید. جوانان تحصیل کرده تمایل بیش تری به کنترل اندازه خانواده و سرمایه گذاری در سلامت و رفاه فرزندان خود دارند. این تأثیرات به ویژه برای زنان قوی است.
۴. آموزش با کیفیت: نهادهای تحصیلات عالی با ارائه آموزش با کیفیت، مهارت و انگیزه به محصلان نقش سازنده ای را در تحقق اهداف انکشاف پایدار بازی می کنند.
۵. برابری جنسیتی: نهادهای تحصیلات عالی با ارائه آموزش فرصت ها مشارکت دختران و پسران را در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و عمومی با حفظ پوشش شرعی و حقوق انسانی تشویق می کنند. تحصیلات عالی به اعمال و سنت هایی که سلامت جسمی، روانی زنان و مردان را مختل می کند، کمک می کنند.
۶. آب پاکیزه و بهداشت: تحصیلات عالی با ارائه برنامه های آموزشی و اطلاعاتی ابزارهای لازم را برای نظارت بر کیفیت آب به منظور کاهش آلودگی فراهم می کند. از این رو، نهادهای تحصیلات عالی با افزایش آگاهی در میان جوامع کمک می کنند تا اطمینان حاصل شود که مردم نقش فعالی در بهبود

مدیریت و بهداشت آب دارند و بنابراین برنامه‌های آموزشی و اطلاعاتی پوهنتون‌ها به‌عنوان شرایطی برای ارتقای مدیریت یک‌پارچه منابع آب در نظر گرفته می‌شوند.

۷. دسترسی به انرژی پاک و مقرون به صرفه: تحصیلات عالی با ارتقای بهره‌وری انرژی به ما می‌آموزاند که فن‌آوری‌های را توسعه دهیم که انرژی کم‌تری را هدر می‌دهند. بنابراین نهادهای تحصیلات عالی از طیف کامل رویکردهای تحقیقاتی مورد نیاز برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار از جمله تحقیق و توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر و سایر انرژی‌های پاک حمایت می‌کنند.

۸. رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته: پوهنتون‌ها نقش کلیدی در کاهش تعداد جوانان بیکار از طریق افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی را دارند. چون افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش منجر به ایجاد اشتغال با دست‌مزد بالا و افزایش رشد بهره‌وری و اقتصادی می‌شود.

۹. ارتقاء زیرساخت‌های، تاب‌آور و صنعتی فراگیر: پوهنتون‌ها با تقویت تحقیقات علمی، تشویق به نوآوری و افزایش تعداد محققین به ارتقای قابلیت‌های فنی بخش‌های صنعتی و زیرساخت‌ها در همه کشورها کمک می‌کند.

۱۰. کاهش نابرابری: تحصیلات عالی به‌عنوان ابزار توانمندسازی مردم آگاهی را در مورد نابرابری‌های موجود افزایش می‌دهد و به توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه، صرف‌نظر از سن، جنس، نژاد، قومیت، و یا وضعیت اقتصادی کمک می‌کند.

۱۱. شهرها و جوامع پایدار و تاب‌آور: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق رویکردهای مشارکتی جوامع را برای مدیریت صحیح منابع خود و نیز مقابله با تغییرات اقلیمی آماده نموده و برای بهبود شهرها برنامه‌ریزی نمایند.

۱۲. الگوی تولید و مصرف پایدار: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش عموم جامعه را به‌سوی الگوهای مصرف و تولید پایدار سوق دهند و مشخصاً به کاهش تولید زباله از طریق معرفی و تمرین چهار "Rs" کاهش (Reduce)، استفاده مجدد (Reuse)، بازیافت (Recycle) و بازیابی (Recover) کمک کند.

۱۳. اقدامات جهت مبارزه با تغییرات اقلیم: تحصیلات عالی آگاهی را در مورد ظرفیت انسانی و سازمانی در کاهش تغییرات آب و هوا افزایش می‌دهد و می‌تواند به ایجاد تغییرات رفتاری مورد نیاز برای مبارزه با آن کمک نماید. تأثیرات تغییرات اقلیمی در میان عوامل دیگر به آموزش بستگی دارد که خوب‌تر توسط نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌شود.

۱۴. استفاده پایدار از اقیانوس و دریاها: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق همکاری‌های علمی و توسعه ظرفیت تحقیقاتی به استفاده پایدار از اقیانوس‌ها و دریاها کمک نمایند.

۱۵. ارتقای اکوسیستم و جلوگیری از بین رفتن تنوع زیستی: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق آموزش تنوع زیستی به ادغام ارزش‌های اکوسیستم حفاظتی و درک تنوع زیستی و ارتباط آن با رفاه انسان کمک نمایند.

۱۶. جامعه پایدار و صلح آمیز: تحصیلات عالی به‌طور گسترده به‌عنوان ابزاری برای ترویج صلح، عدالت و برابری برای توسعه پایدار تلقی می‌شود.

۱۷. احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار: پوهنتون‌ها به‌عنوان مراکز تعامل اجتماعی می‌توانند با تقویت آگاهی و مشارکت عمومی و نیز ایجاد و تسهیل گفت‌گوی بین نهادی به اجرای بهتر اهداف توسعه پایدار کمک نمایند.

هدف دستور کار اهداف توسعه پایدار مقابله با مبرم‌ترین چالش‌های جهان مانند فقر، رفاه اقتصادی، نابرابری، شمول اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، صلح و حکمرانی خوب تا سال ۲۰۳۰ است. از این‌رو، دانش و تخصصی را که مؤسسات تحصیلات عالی می‌توانند ارائه دهند، ابزارهای ضروری برای پیش‌برد دستور کار هستند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند از چهار طبقه اصلی در اجرای اهداف انکشاف پایدار مشارکت داشته و نقش بازی نمایند. این چهار طبقه عبارت‌اند از: آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی که هر کدام ذیلاً توضیح داده شده است.

۱. آموزش (Education)

آموزش را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند نهادینه شده با هدف تحقق اهداف یادگیری تعریف شده برای گروه‌های مشخص تعریف شده توصیف کرد (Holmberg & Samuelsson, 2005). همان‌طوری‌که گفته شد هدف نهایی تحصیلات عالی برای توسعه پایدار، انتقال دانش، ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای توانمندسازی افراد جهت ایجاد تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری است، نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند از طریق ارائه دانش، مهارت و انگیزه به محصلان برای درک و رسیدگی به چالش‌های توسعه پایدار و نیز ارائه آموزش عمیق آکادمیک یا حرفه‌ای برای اجرای راه‌حل‌های آن نقش سازنده‌ای را در تحقق اهداف توسعه پایدار اجرا کنند. راهبردهای متعددی گنجانیدن پایداری در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های درسی مشترک وجود دارد که پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلی می‌توانند به این اهداف نایل شوند. اولین مورد ایجاد یک دوره خاص پایداری است که دانش

و آگاهی محصلین را در مورد پایداری افزایش دهد. راه دیگر برای ادغام پایداری در برنامه درسی، گنجاندن مفاهیم پایداری در سراسر برنامه درسی و القای آن‌ها در تمام دوره‌های فارغ‌التحصیلی صرف نظر از رشته تحصیلی است. به عنوان مثال، پوهنتون کلرادو یک الزام آموزشی عمومی جدید ایجاد کرده است تا دانش آموزان برای فارغ‌التحصیل شدن باید دوره پایداری را بگذرانند (Beyer, 2010). در نهایت، ایجاد رشته مرتبط با پایداری راه دیگری برای افزایش بازنمایی پایداری در برنامه درسی نهادهای تحصیلات عالی است. پوهنتون ایالتی آریزونا یکی از مؤسساتی است که مدارک خاص پایداری را ارائه می‌دهد. فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی می‌توانند لیسانس در پایداری یا یک برنامه تسریع شده لیسانس و کارشناسی ارشد را دنبال کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد با مدرک کارشناسی ارشد در راه‌حل‌های پایداری فارغ‌التحصیل شوند "برنامه‌های مقطع کارشناسی". هم‌چنین، پوهنتون فورمن نهاد دیگری است که مدرکی در علوم پایداری ارائه می‌دهد (Levesque, 2019).

در عین حال، پوهنتون‌ها می‌توانند غرض بلند بردن آگاهی محصلین در خصوص دانش پایداری به ترویج فعالیت‌های داوطلبانه محصلین بپردازد. به‌طور مثال پوهنتون جورجیا یکی از مؤسساتی است که طیف گسترده‌ای از این فعالیت‌ها را برای محصلان علاقه‌مند به پایداری دارد. یکی از گروه‌های داوطلب «Dawgs Ditch the Dumpster and Donate» نام دارد که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا اساسیه، لباس و سایر وسایل اتاق خواب‌گاه را در پایان سال به‌جای دور انداختن به آن‌ها اهدا کنند. این اقدام سپس به سازمان‌های غیر انتفاعی داده می‌شود. علاوه براین؛ این پوهنتون دارای طیف گسترده‌ای از سازمان‌های محصلی است که بر ایجاد مشارکت، آگاهی و تعامل محصلان با پایداری متمرکز شده‌اند. برخی از این سازمان‌ها عبارتند از EcoTones، یک گروه cappella برای علاقه‌مندان به موسیقی و محیط زیست و یا سازمان Food2Kids برای حمایت بهتر از کودکان آسیب‌دیده از ناامنی غذایی، آگاهی‌دهی نموده و کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌نماید (2019, "Campus Labs Involvement Network").

به‌طور خلاصه برای کمک به اهداف توسعه پایداری از طریق آموزش، پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند:

- دستور کار اهداف توسعه پایداری و اصول آموزش برای توسعه پایداری را در تمام دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و در آموزش تحقیقات تکمیلی بگنجانند؛
- فعالیت‌های داوطلبانه دانش‌آموزان را که به اهداف توسعه پایداری می‌پردازند، ترویج دهند (افزایش برنامه‌های مشترک آموزش پایداری با محصلان)؛

- ارائه آموزش اجرایی و دوره‌های ظرفیت‌سازی برای سایر ذی‌نفعان/سهام‌داران خارجی و نهادهای که در تحقق اهداف توسعه پایدار مسئولیت دارند؛
- برقراری روابط با پوهنتون‌های کشورهای درحال توسعه و آن‌های که به برنامه‌های آموزشی برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار می‌پردازند.

۲. تحقیق (Research)

تحقیق به کارهای انجام شده توسط اساتید و محصلان در مؤسسات آموزش عالی اشاره دارد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا درک بهتری از مفاهیم خاص زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با چالش‌های پایداری امروزی به‌دست آورند (Levesque, 2019). به‌نظر بوومیک (۲۰۱۸) تحقیقات می‌تواند دانش فعلی را در مورد مسایل پایداری گسترش دهد و به توسعه استراتژی‌های برای کاهش این مشکلات کمک کند. بنابراین افزایش کار میان‌رشته‌ای و مشارکت قوی اساتید و محصلان با چالش‌های پایداری عناصر حیاتی برای پیش‌برد تحقیقات پایداری هستند (Aktas, 2015; Brundiers & Wiek, 2010). تحقیق میان‌رشته‌ای برای مسایل پایداری از آن جهت مهم‌اند که چالش‌های پایداری شامل به‌هم پیوستگی انواع موضوعات مختلف است (Waas, 2010). برای حمایت از این کار باید گروه‌های تحقیقی کوچک و بین‌رشته‌ای که در آن اعضای هیئت علمی در پروژه‌های تحقیقاتی پایداری همکاری می‌کنند مورد حمایت مالی قرار گرفته و تأمین مالی گردند. آبر و ویک (۲۰۰۹) پیشنهاد می‌کنند که انواع تحقیقات انجام شده در پوهنتون‌ها بیش از تصمیمات اداری به علایق و سوابق اعضای هیئت علمی بستگی دارد و این با سایر حوزه‌های محتوای برنامه درسی، عملیات پوهنتون و مشارکت جامعه، که اغلب به انتخاب‌های مقامات پوهنتون مرتبط است، متفاوت می‌باشد (Aber & Wake, 2009). استراتژی‌های دیگری که پوهنتون‌ها می‌توانند برای پیش‌برد تحقیقات پایداری استفاده کنند. شامل تشریح این مسأله است که چگونه اهداف تحقیقاتی در سطح پوهنتون می‌توانند به بهترین نحو با موضوعات مرتبط به پایداری هماهنگ شوند و جوایز و سایر تقدیرنامه‌ها برای کسانی تعلق گیرد که با محتوای پایداری درگیر هستند (بوومیک، ۲۰۱۸).

به‌طور خلاصه پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی از طریق تحقیق می‌توانند:

- به تشویق و ترویج اهداف توسعه پایدار به‌عنوان موضوع تحقیق در پوهنتون بپردازند؛
- از طیف کامل رویکردهای تحقیقاتی مورد نیاز برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار از جمله تحقیقات بین‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای حمایت کنید؛
- از برنامه‌های ملی و هماهنگی تحقیقات در مورد اهداف توسعه پایدار حمایت کنند؛

- نوآوری‌های رسیدگی به چالش‌های اهداف توسعه پایدار را برای محققان در پوهنتون و سایر ذی‌نفعان خارجی ترتیب نموده و از رشد نوآوری برای راه‌حل‌های توسعه پایدار حمایت نمایند؛
- نحوه هماهنگی تحقیقات و نیز نقاط قوت تحقیقات انجام شده توسط سایر نهادهای معتبر علمی در مورد اهداف توسعه پایدار را ترسیم و محققان کلیدی را شناسایی کنند.

۳. عملیات (Operations)

عملیات یک پوهنتون را می‌توان به‌عنوان خدمات روزمره‌ای که برای ادامه عملکرد درست خویش ارائه می‌کند تعریف کرد (Levesque, 2019). برخی از این اقدامات شامل ساخت و ساز ساختمان و مدیریت حمل و نقل در محوطه پوهنتون، دفع زباله، تهیه انرژی و آب، سیستم غذایی و تهیه مواد است. توجه به این‌که پوهنتون در کجا و چگونه پول خرج می‌کند نیز مرتبط است (Razman, 2016). پوهنتون‌های پایدار براین موضوع تمرکز می‌کنند که چگونه می‌توانند شیوه‌های مفید زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در وظایف روزمره خود ادغام کنند. این را می‌توان با تشویق طراحی ساختمان سبز، حمل و نقل سبزتر، بازیافت و مدیریت صحیح انرژی و آب مشاهده کرد (Calder & Dautremont-Smith, 2009; Patrick, 2008). انتخاب‌های پایدارتر در سطح پوهنتون می‌تواند به نفع کل جمعیت پوهنتون و هم‌چنین ساکنان اطراف باشد، چون‌که پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی به‌عنوان مراکز تعامل اجتماعی آموزش، مسکن، غذا، آب، مراقبت‌های صحتی و غیره را برای جمعیت محصلی و هم‌چنین برخی از اعضای هیئت علمی و بازدیدکنندگان ارائه می‌کنند و نیز تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که بر همه اعضای آن تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انتخاب مواد غذایی مغذی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر سلامت بسیاری از محصلان، اساتید و بازدیدکنندگان داشته باشد (Razman, 2016). یکی دیگر از راه‌های مهم برای ادغام پایداری در عملکردهای روزانه پردیس، کاهش تولید زباله‌های پوهنتون و مشارکت در محل دفن زباله است. به‌عنوان مثال می‌توان از ممنوعیت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی و بوتل‌های پلاستیکی آب در محوطه پوهنتون، افزایش آگاهی محصلان از بازیافت و قرار دادن سطل‌های بازیافت بیش‌تر در ساختمان‌ها و کلاس‌های درس نام برد (O'Connor, 2013; Patrick, 2008).

۴. مشارکت اجتماعی (Community partnerships)

مشارکت اجتماعی به همکاری پوهنتون با شرکای خارجی در جامعه اشاره دارد (Levesque, 2019). به نظر Crown (۲۰۱۹) موفقیت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار عمدتاً به همکاری و مشارکت همه بازی‌گران بستگی دارد. استراتژی‌های مشارکت اجتماعی شامل میزبانی سخنرانی‌ها یا رویدادها در مورد موضوعات پایداری، همکاری با تصمیم‌گیرندگان و سایر سهام‌داران کلیدی در مورد موضوعات خاص،

و تعامل با پوهنتون‌های دیگر برای یادگیری و کار با آن‌ها است (بوومیک، ۲۰۱۸). کار با ذی‌نفعان می‌تواند شامل توسعه راه‌حل‌ها و بهترین شیوه‌ها برای بهبود بهره‌وری انرژی، ایجاد شبکه‌های هوشمند و استفاده فن‌آوری‌های تجدیدپذیر باشد. مشارکت با اعضای جامعه یا سازمان‌ها از آن جهت سودمند است، چون‌که مسایل پایداری به افراد با پیشینه‌های مختلف نیاز دارد که با هم کار کنند تا احتمال رسیدگی به یک مشکل به اندازه کافی افزایش یابد (Trencher et al., 2013).

بنابراین پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق موارد زیر به این موارد دست یابند:

- تقویت آگاهی و مشارکت عمومی در رسیدگی به اهداف توسعه پایدار؛
- ایجاد و تسهیل گفتگوی بین نهادی و برنامه عمل برای اجرا اهداف توسعه پایدار؛
- ایفای نقش پیش‌رو در توسعه سیاست و حمایت از توسعه پایدار؛
- نشان دادن تعهد و اهمیت پوهنتون‌ها در اجرای اهداف توسعه پایدار.

موانع و چالش‌های نهادهای تحصیلات عالی در افغانستان برای اجرای اهداف انکشاف پایدار

علی‌رغم دست‌آوردهای نظام تحصیلی افغانستان در خصوص ارتقای ظرفیت استادان، به‌روز کریکلم درسی، تأسیس ریاست تحقیق و تالیف، تضمین کیفیت و اعتباردهی، هنوز هم نهادهای تحصیلات عالی افغانستان در مسیر دستیابی به نتایج پایداری با چالش‌های مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کم‌بود آگاهی استادان و محصلین در مورد توسعه پایدار و کم‌بود منابع برای اجرای آن، نارسایی در مورد گنجاندن آموزش توسعه پایدار در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فرا درسی، اولویت‌بندی پائین، نبود استقلالیت اکادمیک و مالی پوهنتون‌ها، نبود هم‌آهنگی با نهادهای دولتی و خصوصی در زمینه نیازسنجی ملی و شناسایی نیروی بشری مورد ضرورت این نهادها و نیز مقاومت در برابر تغییر اشاره نمود. به‌طور مثال بین وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها از یک‌طرف و وزارت‌های متصدی انکشاف اقتصادی مانند وزارت‌های اقتصادی، فواید عامه، ترانسپورت، معادن، زراعت، انرژی و آب، صحت عامه، کار امور اجتماعی هیچ‌گونه ارتباط و هماهنگی در زمینه نیازسنجی ملی وجود ندارد. از طرف دیگر، بین دوره‌ی تحصیلی و مواد درسی پوهنتون با آن‌چه بازار کار از بعد مهارت فنی و علمی می‌طلبد تناسب منطقی برقرار نشده است که این امر منجر به افزایش مستمر نرخ بیکار فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها می‌شود.

تحقیق میان رشته‌ای و مشارکت قوی اساتید و محصلین برای مسایل پایداری به دلیل عدم شناخت استاد و محصل از پایداری و نیز نبود بودجه و حمایت مالی تا هنوز در پوهنتون‌های افغانستان معمول نگردیده است. وقتی انواع تحقیقات انجام شده در پوهنتون‌ها بیش از تصمیمات اداری به علایق و سوابق اعضای

هئیت علمی بستگی داشته باشد (آبرو ویک، ۲۰۰۹) که خود در زمینه پایداری ناگاه باشند، نمی توان توقع داشت که فارغ التحصیلان آن واجد شرایط اجرای اهداف انکشاف پایدار باشند. در همین حال؛ هاپکینز (۲۰۰۵) معتقد است که فقدان منابع، مانند دستور کار تحقیقاتی موجود برای توسعه پایدار آموزش عالی، توسعه آن را در محیط نهادی نیز به تأخیر انداخته است. Lambrechts و Verhulst (۲۰۱۵) عدم آگاهی از پایداری، ساختار آموزش عالی و کمبود منابع در دسترس را به ترتیب از موانع ادغام سیستماتیک آموزش پایداری در تحصیلات عالی می پندارند. علاوه براین؛ تعداد محصلان در دهه های گذشته افزایش یافته است؛ اما مدیریت داخلی و ساختارهای اداری در انطباق با این افزایش عقب مانده است (لوزانو، ۲۰۰۹). در همین حال؛ یکی از دلایلی که بسیاری از کارشناسان تصور می کنند از زمان اجلاس سران زمین در سال ۱۹۹۲ پیشرفت کمی در مورد آموزش توسعه پایدار حاصل شده است، این می باشد که منابع مالی کمی برای تغییر جهت آموزش برای پرداختن به پایداری اختصاص یافته است که افغانستان نمی تواند از آن مستثنی باشد. چالش های ذکر شده را می توان به عنوان فقدان رهبری استراتژیک، تقاضای کم از سوی اکثر ذی نفعان داخلی و خارجی، از جمله محصلان و کارفرمایان، ارتباطات ضعیف در مورد مفهوم توسعه پایدار و نحوه اعمال آن ذکر کرد (جانستون، ۲۰۰۷).

مناقشه

با توجه به اهمیت جایگاه تحصیلات عالی به عنوان شاخص ترین نهاد علمی که در امر پرورش انسان ها اهتمام می ورزد، حصول نتایج پیش بینی شده در خصوص نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار ممکن بود چون که تحصیلات عالی از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی نقش کلیدی در آموزش رهبران آینده دارد که به اجرای موفق آن کمک خواهند نمود. از مقایسه نتایج به دست آمده با مطالعات پیشین این مسأله واضح می گردد که با گذشت شش سال از اجرایی شدن دستور کار جدید انکشاف پایدار تا هنوز کار تحقیقاتی و آگاهی دهی حرفه ای چندانی در زمینه در افغانستان صورت نگرفته است. اهمیت تحقیق حاضر در آن است که ضمن بر طرف نمودن خلای علمی موجود، یک اسلوب ساده که در توان نهادهای تحصیلات عالی است که به مشارکت آن ها در تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته. در صورت توجه به موارد ذکر شده نتایج قابل ملاحظه ای به دست خواهد آمد. محدودیت محتوایی وضع شده و ناکافی بودن زمان نقاط ضعف این تحقیق را تشکیل می دهد. از این رو؛ پیشنهاد می شود تا در آینده تحقیقات بیش تری با روش های متفاوت در مورد رابطه و جایگاه اهداف انکشاف پایدار در پالیسی ها، کریکولم جدید تحصیلی، نقش استادان و هئیت علمی در انتقال آموزش پایدار به محصلین و نیز میزان آگاهی استادان و محصلین انجام شود.

نتیجه‌گیری

این یک واقعیت تاریخی است که آموزش نقش تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور ایفا می‌کند و هر حوزه را به میزان قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر می‌خواهیم با چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی قرن حاضر مقابله نمایم؛ باید آگاهی‌پایداری را عمیق‌تر کنیم؛ آگاهی‌پایداری خود مستلزم آموزش با کیفیت است که هدف شماره چهارم دستور کار اهداف انکشاف پایدار را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت آموزش بود که کنفرانس سازمان ملل متحد برای محیط‌زیست و توسعه موسوم به سران زمین که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیور برگزار شده بود. آموزش برای دستیابی به انکشاف پایدار را حیاتی و نهادهای تحصیلات عالی را به‌عنوان انتشاردهنده کلیدی ایده انکشاف پایدار تلقی نمود و متعاقباً در سال ۲۰۰۲ سازمان ملل سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۴ را دهه جهانی برای انکشاف پایدار اعلام نمود.

بنابراین موثرترین راه برای ارتقای توسعه پایدار، توسعه ظرفیت همه ذی‌نفعان و سهام‌داران از طریق آموزش است. دستور کار اهداف انکشاف پایدار در تلاش است تا فقر را ریشه‌کن کند و در عین حال به نیازهای اجتماعی مانند آموزش، صحت، حمایت اجتماعی، فرصت‌های شغلی، تغییرات اقلیمی، امنیت غذایی و حفاظت از محیط‌زیست توجه کند. بنابراین دانش و تخصصی را که نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌دهند، می‌تواند ابزار ضروری برای پیش‌برد این دستور کار باشد. اگر چه اهمیت همه ذی‌نفعان برای اجرا و تحقق دستور کار اهداف انکشاف پایدار مهم است، اما تحصیلات عالی می‌تواند از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی با سایر نهادهای دولتی و غیر دولتی آگاهی، دانش، ارزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای توان‌مندسازی افراد جهت تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری را فراهم کند. این هدف به آسانی به‌دست نخواهد آمد مگر این‌که برنامه‌های درسی و مواد آموزشی نهادهای تحصیلات عالی به‌طور مستمر بررسی و به‌روز شود. صرفاً افزودن چند دوره آموزشی در مورد مسایل زیست‌محیطی، پایداری، رهبری، و... در دوره‌های لیسانس و مافوق لیسانس برای تغییر پارادایم کافی نیست؛ بلکه نیاز فوری به برداشتن گام‌های جدی در این زمینه وجود دارد تا دروس، رهبری، پالیسی و برنامه‌های عملیاتی مؤسسات تحصیلات عالی با توجه به اصول توسعه پایدار، نیازهای بازار کار و تقاضای نوین جامعه آماده شود. براساس این تلقی و جهت‌گیری، وضعیت کنونی آموزش عالی باید مورد بازنگری قرار گیرد و به‌طور انتقادی مورد پرسش قرار گیرد که تا چه اندازه پوهنتون‌های ما نسبت به اهداف توسعه پایدار مسئول و پاسخ‌گو هستند و چگونه می‌توان آموزش عالی را اصلاح و نوآوری کرد تا به اهداف توسعه پایدار برسیم.

از این رو، مؤسسات تحصیلات عالی اعم از دولتی و خصوصی هر دو باید مأموریت و اهداف خود را باز تعریف نموده و اولویت‌های خویش را براساس اصول توسعه پایدار و نیازهای عینی جامعه تعیین نمایند. سمینارها، کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و غیره خوب و مهم هستند؛ اما ضروری است که راه‌اندازی این نوع همایش‌ها منجر به اقدامات عملی و ملموس در خصوص تطبیق اهداف تعیین شده گردند. بنابراین توسعه افراد پایدار و پس از آن جوامع پایدار باید یکی از اهداف اصلی نظام تحصیلات عالی در سطح ملی و جهانی باشد.

منابع

- اکبری، احمد و دیهیم، جواد و دهنوی، مریم. (۱۳۹۵). نقش سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار. <https://civilica.com/doc/705428>
- ثابتی. مریم، سپهر، محمد هارون، احمدی، فخرالدین. (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم/شماره چهارم.
- Aber, J, & Wake, C. (2009). Creating the intellectual basis for sustainability. In J. Aber, T. Kelly, & B. Mallory (Eds.). The sustainable learning community: one university's journey to the future. Lebanon, NH: University Press of New England.
- Aktas, C. B. (2015). Reflections on interdisciplinary sustainability research with undergraduate students. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 16(3), 354-366. <https://doi.org/10.1108/>
- Arasteh, H., & Amiri (2011). The role of university in sustainable development. *Journal of Neshae Elm*, 2(2) (in Persian).
- Beyer, V. Sustainability integrated into general education requirements. Retrieved from https://www.uccs.edu/Documents/sustain/GenEdRequireArticle_final.pdf
- Bhowmik, J., Selim., S. A., & Huq, S. (2018). The role of universities in achieving the sustainable development goals (Policy brief). Retrieved from <http://www.icccad.net/wp-content/uploads/2015/12/Policy-Brief-on-role-of-Universities-in-achieving-SDGs.pdf>
- Brundtland, G. H. (2019). The Future Is Now: The Science for Achieving Sustainable Development, Global Sustainable Development Report 2019. Department of Economic and Social Affairs, United Nations. Retrieved November 17, 2020, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/24797GSDR_report_2019.pdf.
- Calder, W., & Dautremont-Smith, J. (2009). Higher education: emerging laboratories for inventing a sustainable future. In J.C. Dernbach (Ed.). *Agenda for a sustainable America*. Washington, D.C.: ELI Press (Environmental Law Institute).
- Campus labs involvement network. (2019). Retrieved from <https://uga.campuslabs.com/engage/organizations?categories=7624>.
- Foley, H. (2021). Education for Sustainable Development Barriers, *Journal of Sustainable Development*; Vol. 14, No. 1; 2021, <https://doi.org/10.5539/jsd.v14n1p52>.
- Guterres, A. (2019). The Future Is Now: The Science for Achieving Sustainable Development, Global Sustainable Development Report 2019. Department of Economic and Social Affairs, United Nations. Retrieved November 17 2020, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/24797GSDR_report_2019.pdf.
- Jaiswal, V & Gupta, P. (2022). Role of Higher Education for Sustainable Development. http://educationindiajournal.org/home_art_avl.php?path=&id=20.
- O'Connor, R., Lerman, D.C., Fritz, J.N., & Hodde, H. B. (2013). Effects of number and location of bins on plastic recycling at a university. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 43(4), 711-715. <https://doi.org/10.1901/jaba.2010.43-711>

- Razman, R., Abdullah, A. H., & Wahid, Abdul. (2016). Sustainable development in higher education institutions (HEIs): towards sustainable campus operations (SCO). ARPN Journal of Engineering and Applied Sciences, 11. 11823-11826.
- Trencher, G., Yarime, M., & Kharrazi, A. (2013). Co-creating sustainability: cross-sector university collaborations for driving sustainable urban transformations. Journal of Cleaner Production, 50, 40-55. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2012.11.047>
- Waas, T., Verbruggen, A., & Wright, T. (2010). University research for sustainable development: definitions and characteristics explored. Journal of Cleaner Production, 18(7), 629-636. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2009.09.017>
- World Commission on Environment and Development. (1987). "Our Common Future". Oxford: Oxford University Press.
- <https://8am.media/what-is-the-significance-of-the-un-sustainable-development-goals-for-afghanistan/>.